



شماره ثبت: ۲۴۷۷

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

۲.....	مفهوم شناسی غیبت
۲.....	مبحث دهم: حکم صبی و مجنون در غیبت
۲.....	مرور گذشته:
۲.....	مقام دوم: صبی غیر ممیز
۲.....	الف) تمسک به اطلاقات
۲.....	ب) تمسک به الحاق حکمی
۳.....	دلایل عدم حرمت در غیر ممیز
۴.....	تکمله بحث
۴.....	تکمله اول: نسبیت عیب
۴.....	تکمله دوم: انتساب عیب صبی به والدین
۴.....	مقام سوم: بررسی ادله در مورد مجنون
۴.....	اقسام جنون
۵.....	بررسی اطلاقات در جنون ادواری
۵.....	افراد مرزی
۵.....	مبحث یازدهم: حضور سامع
۶.....	بیان اقوال
۶.....	ادله قول اول



شماره ثبت: ۲۴۷۷

مفهوم شناسی غیبت

مبحث دهم: حکم صبی و مجنون در غیبت

مرور گذشته:

در این مبحث سه مقام وجود داشت. یک مقام را بیان کردیم که شمول حکم نسبت به صبی ممیز بود. نتیجه گرفتیم صبی ممیز شامل عناوین مؤمن، اخاک، مسلم می شود.

مقام دوم: صبی غیر ممیز

عناوینی چون مؤمن، مسلم، اخاک بر صبی غیر ممیز شمول حقیقی ندارند. اکثر بزرگان به غیر از مکارم شیرازی قائل به این نظرند. اما در انوارالفقاهه، ایشان صبی غیر ممیز را مشمول حکم دانسته است.

در این مورد، دو راه وجود دارد:

الف) تمسک به اطلاقات

اطلاق طایفه چهارم و پنجم، شامل صبی غیر ممیز می شود. زیرا عنوان ناس در آنها آمده است. البته یک روایت «رجلاً» داشت که تنها آن روایت صدق نمی کند. روایت طایفه پنجم نیز کلاً غیبت را حرام دانسته است.

این طوایف چهارم و پنجم از کفار حربی انصراف دارد، اما ممکن است که از صبی غیر ممیز انصراف نداشته باشد. که نظر مشهور این است که در صبی غیر ممیز نیز انصراف دارد.

ب) تمسک به الحاق حکمی

عنوان مؤمن و مسلم شمول حقیقی بر صبی غیر ممیز ندارد، اما یک قاعده الحاق حکمی وجود دارد که در صبی ممیز جاری بود، ممکن است بگوییم در اینجا نیز چنین است. همان طور که صبی غیر ممیز در نجاست و طهارت ملحق به والدینشان هستند، در این احکام نیز چنین است.



شماره ثبت: ۲۴۷۷

الغای خصوصیت

این نیز کامل نیست، این یک استنباط است که در بعضی موارد الحاق حکمی آمده است. یک اطلاق واحد و دلیل مشترکی نداریم که بگوید فرزند مسلم، مسلم است. جواب کلی این است که ما دلیل مطلق بر این امر نداریم الا اینکه بگوییم از مواردی که دلیل داریم الغای خصوصیت کنیم. مثلاً در مواردی می‌گوید، ارث می‌برد. یا در حرمت دم نیز چنین است، در نتیجه بگوییم در اعتبار شخصیتی نیز چنین است. البته باید بگوییم این الغای خصوصیت در ممیز می‌شود و در غیر ممیز نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

تعمیم الغای خصوصیت حکم مسلم، به صبی ممیز، امکان دارد. اما در صبی غیر ممیز نمی‌توانیم الغای خصوصیت کنیم.

دلایل عدم حرمت در غیر ممیز

در نقطه مقابل اگر دلیل شمول پیدا نکردیم، عدم شمول، طبق قواعد است. اما ممکن است کسانی دلایلی خاص، برای عدم حرمت غیر ممیز بیاورند.

غیبت، زمانی است که شخص از شنیدن آن ناراحت بشود. صبی غیر ممیز متوجه این امر نمی‌شود و ناراحت نمی‌شود.

این وجه، جواب مبنایی دارد. ما، این قید را نپذیرفتیم و قید «ستر الله علیه» را قبول کردیم. در نتیجه مفهوم به غیر ممیز شمول ندارد. حتی اگر کسی قائل شد که قید ناراحتی وجود دارد، دلیل اطلاق ندارد و شامل غیر ممیز نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

در صبی غیر ممیز، هیچ دلیلی بر شمول اطلاعات نداریم. نهایتاً به خاطر احتیاط مستحب بگوییم غیبت آن‌ها را نکنیم.



تکمله بحث

تکمله اول: نسبیت عیب

بدگویی نسبت به صبی (ممیز یا غیر ممیز) متناسب با خود اوست. ممکن است چیزهایی برای افراد بزرگسال عیب باشد، ولی برای کودک ممیز و غیر ممیز عیب به شمار نیاید. این در انسان‌های بالغ نیز چنین است. این عیوب، نسبیت دارند. عرف گاهی یک امر را برای شخصی، عیب می‌داند و برای دیگری عیب نمی‌داند. مثلاً نوع پوشش در فقیه و شخص عادی.

انواع معایب

معایب چند نوع هستند:

الف) معایب علی الاطلاق (معایی که خارج از محدوده مکان و زمان و شرایط هستند. مثلاً: شرب خمر)

ب) معایب عرفی که بر دو قسم است: مطلق و نسبی. عرف بعضی از عیوب را مطلق می‌داند، اما بعضی از عیوب، بر حسب احوال و اشخاص و زمان و مکان متفاوت است.

تکمله دوم: انتساب عیب صبی به والدین

تکمله دوم این است که، بحث ما از حیث خود صبی ممیز و غیر ممیز است. اما اگر اشکالی به پدر و مادر صبی برگردد، حرمت دارد. بهتر است بگوییم صبی غیر ممیز شامل حکم حرمت غیبت نمی‌شود. اما گاهی عرف، این عیب را به حساب ولی وی می‌گذارد. اگر این نسبت عرفی وجود داشته باشد، حکم حرمت غیبت شامل این امر می‌شود.

مقام سوم: بررسی ادله در مورد مجنون

مجنون همان حکم غیر ممیز را دارد. تقریباً تمام ادله‌ای که در غیر ممیز گفتیم، در مجنون می‌آوریم.

اقسام جنون

اما در مجنون چند ملاحظه وجود دارد. همان‌طور که قبلاً عرض کردیم، دو نوع جنون وجود دارد:



شماره ثبت: ۲۴۷۷

الف) ادواری

ب) طباقی

در جنون طباقی، شخص از ابتدا مبتلای به جنون شده است و تا انتها نیز ادامه دارد. ادله بر این شخص، اطلاقی ندارد.

بررسی اطلاعات در جنون ادواری

اما در جنون ادواری، بحث متفاوت است. زمانی که جنون ندارد، ادله شامل وی می‌شود. البته احتمال دارد کسی این دو جنون را با هم متفاوت بداند و علی‌الخصوص درجهایی که مراتب برگشت از جنون به سلامت خیلی سریع است. مثلاً یک روز جنون دارد و یک روز سالم است. به نظر می‌رسد اینجا ادله انصراف ندارد.

در نتیجه در جنون ادواری علی‌الخصوص در جایی که ادوارهای آن سریع است، احکام اطلاقی دارد و غیبت آن حرام است.

افراد مرزی

این افراد، دارای هوش مرزی هستند. این افراد عقب‌مانده‌ی ذهنی نیستند، اما هوش استاندارد ندارند. این افراد به نام همیشه خندان اسم برده می‌شوند.

این احکام برای اینان صادق است.

جمع‌بندی

همان‌طور که عرض شد، جنون دارای اقسامی است. در جنون ادواری، احتیاط واجب وجود دارد. در افراد مرزی نیز حرمت شاملشان می‌شود.

مبحث یازدهم: حضور سامع

مبحث یازدهم شرطیت حضور سامع در باب غیبت است.

گاهی شخص بدون مخاطب، عیب‌جویی کسی می‌کند و در حال عقده‌گشایی است. گاهی نیز شخص مخاطب دارد.



شماره ثبت: ۲۴۷۷

سؤالی که در اینجا مطرح است، این است که آیا حضور مخاطب شرط است؟

بیان اقوال

در اینجا اقوالی وجود دارد.

قول اول این است که چه مخاطب باشد یا نباشد، حرام است.

اما قول دوم این است که شرط حضور سامع در حرمت غیبت وجود دارد.

ادله قول اول

کسانی که می‌گویند حضور سامع شرط نیست، به این دلیل تمسک کرده‌اند و می‌گویند:

غیبت همانند ذکر یاد خدا است. حتی اگر کسی یاد خدا را نشنود، ثواب دارد. بدگویی‌ها نیز همین حالت را دارد. این بحث تنها برای غیبت نیست بلکه تمام گناهانی را شامل کلام می‌شود را در برمی‌گیرد.

در قول دوم، شرایط و انواعی وجود دارد.